

به نام خدا

## فهرست مطالب

|                                                                          |    |
|--------------------------------------------------------------------------|----|
| سخن نخست.....                                                            | ۱  |
| تردید و آشفتگی دولت جدید آمریکا در قبال ایران.....                       | ۲  |
| آغاز مذاکره با ایران.....                                                | ۴  |
| حتی گفت‌وگوی مستقیم تهران و واشنگتن مشکل را حل نمی‌کند.....              | ۷  |
| جلوگیری از بی‌ثباتی مداوم، تلاش آمریکا برای کنترل پیشرفت اتمی ایران..... | ۱۰ |
| آیا ایران یک متحد است؟.....                                              | ۱۳ |
| یافتن زبان مشترک با تهران برای واشنگتن دشوار است.....                    | ۱۵ |
| واشنگتن در ازای حذف سپر دفاع موشکی از مسکو چه می‌خواهد؟.....             | ۱۸ |
| روسیه با کارت ایران بازی می‌کند.....                                     | ۲۰ |
| این یک ماهواره عادی نیست.....                                            | ۲۲ |
| ایران مانع استراتژیک برنامه هسته‌ای خود را پشت سر گذاشت.....             | ۲۴ |
| جایگاه اعراب و اهل سنت در ایران.....                                     | ۲۶ |
| گزینه‌های هسته‌ای.....                                                   | ۲۸ |
| چالش‌های استقلال در غنی‌سازی.....                                        | ۳۱ |
| رد چانه‌زنی بزرگ.....                                                    | ۳۳ |
| الهی صبر در قبال ایران.....                                              | ۳۵ |
| قربانی معامله آمریکا و روسیه.....                                        | ۳۷ |

## ماهنامه کاوش (۲۵)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۵۹۸

فروردین ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی



## ماهنامه کاوش (۲۵)

### سخن نخست

ماهنامه کاوش که شماره ۲۵ آن در اختیار شماست با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی در قبال مسائل ایران تهیه می‌شود. از آنجا که درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب حاصل می‌شود بنابراین در این ماهنامه تلاش شده است تا عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی که به‌نحوی به مسائل کشورمان می‌پردازند جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان درج شود. در این شماره مقالاتی در مورد رویکرد دولت اوپاما به مذاکره با ایران و برنامه هسته‌ای آن، پرتاب ماهواره بومی ایران به فضا، تعاملات ایران و روسیه و سایر موضوعات جدید مرتبط با ایران پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها به‌منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه از پیشنهادهای انتقادهای اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: تردید و آشفتگی دولت جدید آمریکا در قبال ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: امیلی لندوا

منبع: The Institute For National Security Studies<sup>۲</sup>

یکی از محورهای مناظرات انتخاباتی باراک اوپاما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، مذاکرات بدون پیش‌شرط با ایران در مورد فعالیت‌های هسته‌ای آن و عدم اجازه هسته‌ای شدن به این کشور بود. این مسئله در شرایط کنونی به‌دلیل توسعه مداوم غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های موشکی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار شده و ضرورت تمرکز بر این موضوع را در دولت جدید مضاعف نموده است. با وجود این، در سیاست‌های کنونی آمریکا هیچ نشانه‌ای مبنی بر توجه به فوریت زمانی این تهدیدات وجود نداشته و حتی پیام‌ها و نشانه‌های متعارض و آشفتگی در مورد چگونگی تعامل با ایران پدیدار شده است. چنانچه مثلاً اوپاما از پیشنهاد همکاری با ایران در صورت سیاست‌های متعادل ایران سخن گفته و این به معنای اولویت مذاکره با ایران در نزد اوپاما نسبت به حل بحران هسته‌ای این کشور است. این در حالی است که ایده مذاکره با ایران تنها برای مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای این کشور طرح شده بود. اما در شرایط کنونی به‌نظر اوپاما، این مسئله از اهمیت کمتری برخوردار بوده و هدف اولیه اوپاما بازگشایی روابط دو کشور تلقی می‌شود. بنابراین فعالیت‌های هسته‌ای ایران تنها یکی از محورهای مذاکره دوطرف محسوب می‌شود.

1. Emily Landau, "The New U.S. Administration: Confusion and Indecision on Iran", The Institute for National Security Studies, Insight No. 95, February 18, 2009.

۲. مؤسسه مطالعات امنیت ملی یکی از مراکز پژوهشی است که در زمینه منافع اسرائیل در خاورمیانه فعالیت می‌کند.



این نگرش دولت جدید عملاً سبب نوعی تردید و آشفتگی در سیاست دولت اوباما در قبال ایران می‌شود زیرا که آمریکا از یک‌سو خواهان اعمال سیاست‌های شدیدتر علیه ایران و از سوی دیگر به دنبال تعامل مثبت با این کشور است. علاوه بر این اگرچه بایدن (معاون رئیس‌جمهور آمریکا) و کلینتون (وزیر خارجه) بر لزوم تقویت فعالیت‌های هسته‌ای ایران تأکید کرده‌اند اما آنان هرگز در مورد این مکانیسم که اگر ایران حاضر به پذیرش تعلیق غنی‌سازی اورانیوم نشده یا قطعنامه‌های شورای امنیت را قبول نکند، اقدام بعدی آمریکا چه خواهد بود، پاسخ قاطع و روشنی نداشته‌اند. این سیاست صبر و انتظار آمریکا عملاً نتایج وخیمی به دنبال داشته و بر مذاکرات آتی احتمالی آن با ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود. از سوی دیگر اعلام تمایل ایران به همکاری با جامعه بین‌المللی در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای آن نیز به نوعی خرید زمان محسوب شده و عملاً این کشور را در دستیابی به اهداف آن یاری خواهد کرد. بر این اساس در تعامل با مسئله هسته‌ای ایران باید به محاسبات ایران توجه بیشتری داشت در این زمینه باید همواره در نظر داشت که ایران تمایلی به مذاکرات جدی با آمریکا در مورد فعالیت‌های هسته‌ای خود ندارد همچنان‌که در مذاکرات با کشورهای اروپایی نیز این‌گونه عمل کرده است. درواقع تنها عاملی که ممکن است در تغییر محاسبات ایران در این مسئله مؤثر باشد تغییر وضعیت کنونی و افزایش فشارهاست. بنابراین راه حل منطقی رویارویی با ایران، اعمال فشارهای بسیار از طریق تحریم‌های قوی و سایر محدودیت‌های مالی و حتی ارسال پیام‌هایی مبنی بر حمله نظامی قبل از شروع مذاکرات با ایران است.



عنوان: آغاز مذاکره با ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: جیمز دابینز

منبع: واشینگتن پست<sup>۲</sup>

به عقیده نویسنده کلینتون درباره پاسخ ایران به ابتکارهای آتی آمریکا تردید دارد. باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، با صراحت کامل از ضرورت گفت‌وگوی آمریکا با ایران سخن می‌گوید و حکومت ایران نیز در موارد متعددی آمادگی خود را برای گفت‌وگو اعلام کرده هرچند همیشه با بیانیه‌های مخدوش و پیش‌شرط‌های محدودکننده‌ای همراه بوده‌اند. به باور نویسنده، دولت باراک اوباما در حال بررسی این نکته است که شاید کمی انتظار تا زمان روشن شدن نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران و پرهیز از تقویت موقعیت محمود احمدی‌نژاد کار درستی باشد. با این امید که شاید پیروزی محمد خاتمی شخصیت میانه‌روتر شرایط بهتری را برای گفت‌وگو با ایران فراهم کند. با این همه نویسنده تأکید می‌کند: تأخیر در گشودن راه‌های گفت‌وگو با ایران یک ایراد اساسی دارد و آن اینکه هم‌زمان برنامه‌های هسته‌ای آن کشور در حال پیشرفت است. اگر یکی از اهداف اصلی در سیاست آمریکا در قبال ایران ممانعت از تولید سلاح هسته‌ای توسط آن کشور است نباید زمان را از دست داد. به اعتقاد جیمز دابینز ساده‌ترین و سریع‌ترین راه برای برقراری تماس با ایران که به احتمال فراوان به موضوعی برای بهره‌برداری در انتخابات ریاست جمهوری آن کشور نیز بدل نخواهد شد، توقف سیاست عدم گفت‌وگو با ایران است. حدود سی سال است که دیپلمات‌های آمریکایی از گفت‌وگو با هم‌تایان ایرانی خود منع

1. James Dobbins - Starting A Dialogue With Iran, washingtonpost.com, march 3 2009.

۲. از نشریات پرتیراژ و تأثیرگذار در آمریکاست.



شده‌اند و در صورتی که باراک اوباما تصمیم به لغو این سیاست بگیرد وزیر خارجه آمریکا با صدور فرمانی می‌تواند به دیپلمات‌های آمریکایی اجازه دهد که با نمایندگان ایران گفت‌وگو کنند. این گفت‌وگوها می‌تواند در حوزه‌های مشخصی و از طریق سفرا و نمایندگان آمریکا در سازمان ملل متحد، کابل یا فرستاده‌های ویژه آمریکا در امور پاکستان و عراق صورت بگیرد. جیمز دابینز در تحلیل خود در روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد: «در یک چنین حالتی هر دیپلمات آمریکایی می‌تواند در چارچوب وظایف و اختیارات خاص خود با همتای ایرانی‌اش تماس بگیرد. با این وجود این روش حل نهایی بن‌بست در مناسبات دو طرف را به ارمغان نخواهد آورد و تمام مشکلات و سوءظن‌ها در روابط دو کشور را برطرف نخواهد کرد. تأخیر در گشودن راه‌های گفت‌وگو با ایران یک ایراد اساسی دارد و آن اینکه هم‌زمان برنامه‌های هسته‌ای آن کشور در حال پیشرفت است. اگر یکی از اهداف اصلی در سیاست آمریکا در قبال ایران ممانعت از تولید سلاح هسته‌ای توسط آن کشور است نباید زمان را از دست داد. به نوشته جیمز دابینز ایران و آمریکا در درازمدت برای حل بن‌بست باید یک کانال مؤثر و صاحب اختیارات تام برای تماس فراهم کنند. ولی تا آن زمان و حتی برای زمینه‌چینی برای یک چنین کانال مؤثری گفت‌وگو و تماس باید از کانال‌های مختلف به جریان بیافتد. به نوشته جیمز دابینز برقراری تماس و گفت‌وگو بین مقامات گوناگون دو کشور می‌تواند جزئیات بیشتری را در مورد نیت و شرایط هریک از طرفین روشن کند. علاوه بر این یک چنین تماس‌هایی حداقل در کوتاه‌مدت می‌تواند زمینه را برای همکاری بین دو طرف در حوزه‌های معین از منافع مشترک فراهم کند حتی اگر اختلافات قدیمی و اساسی کماکان حل نشده باقی بماند. جیمز دابینز می‌نویسد: حتی برقراری یک کانال محرمانه و قدرتمند برای حل اختلافات دو



کشور در صورت برقراری گفت‌وگو بین نمایندگان دیپلماتیک ایران و آمریکا در عرصه‌های گوناگون کار ساده‌تری خواهد بود. اگر قرار باشد پس از هر دیداری بین دو طرف یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار شود بعید است که مذاکرات دو طرف به نتیجه مشخصی برسد. در عین حال فراموش نکنیم که اگر هر دو طرف بخواهند از ابتدا بر تحقق تمام پیش‌شرط‌های خود تأکید کنند دیالوگ واقعی هیچ‌گاه آغاز نخواهد شد. به نوشته جیمز دابینز موقعیت برای تماس و یا حتی دیدار رؤسای جمهوری دو کشور ممکن است زمانی فرا برسد، اما این نقطه آغاز نیست. شکستن سدهای موجود بر سر راه تماس و گفت‌وگوی مقامات مسئول در هر حوزه مشخص بین دو طرف و در مورد مسائل کوچک و کم‌خطرتر می‌تواند مناسبات دو کشور را از حالت «عدم گفت‌وگو» به «حالت وجود تماس» منتقل کند. این روش می‌تواند روند تجدید مناسبات دو کشور را از هم‌اکنون به جریان بیاندازد در حالی که موارد مهم‌تر و مخاطره‌آمیزتر از مسائل مورد مناقشه دو طرف می‌تواند به بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران موکول شوند.



عنوان: حتی گفت‌وگوی مستقیم تهران و واشنگتن مشکل را حل نمی‌کند<sup>۱</sup>

منبع: مذاکرات کمیته روابط خارجی سنا<sup>۲</sup>

ایران در رأس دستور کار سیاست خارجی ماه گذشته در کنگره ایالات متحده قرار داشت. کمیته روابط خارجی سنا صحنه برگزاری سه نشست طی سه روز متوالی بود که از زوایای مختلف به آخرین تحولات سیاسی و هسته‌ای در ایران می‌پردازد.

سناتور دمکرات جان کری، رئیس کمیته روابط خارجی سنا، نخستین دور از مجموعه جلسات رسیدگی به امور ایران را برگزار کرد. در این جلسه از فرانک ویزنر (سفیر پیشین آمریکا در مصر و هند)، مارک فیتزپتریک (کارشناس ارشد منع گسترش جنگ‌افزار هسته‌ای در انستیتو مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل)، ریچارد هاس (رئیس شورای روابط خارجی) و کریم سجادی‌پور (کارشناس بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل)، دعوت شده بود.

نگرانی از گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر دستیابی ایران به یک تن اورانیوم غنی شده با غلظت سه درصد و اظهارات دریا سالار مایک مالن، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ارتش آمریکا، حاکی از کفایت این میزان در صورت تزریق دوباره به سنتریفیوژها برای تولید یک بمب اتم بر نشست کمیته سایه انداخته بود.

سناتور کری گفت رهبران عرب به شدت نگران آینده برنامه هسته‌ای ایران هستند و اسرائیل آن را پیشاپیش یک خطر موجود می‌داند. جان کری گفت کنگره عزم خود را

1. U.S. Strategy Regarding Iran, Hearing Before The Committee On Foreign Relations United States Senate , Thursday, March 5, 2009.

۲. کمیته تخصصی مسائل بین‌المللی در سنای آمریکاست.



جزم کرده است مانع اخذ این تصمیم از سوی رهبران ایران و برداشتن این گام بسیار خطرناک شود که اورانیوم موجود برای مصارف نظامی دوباره تغلیظ شود. سناتور کری گفت: نمی‌توان به اظهارات مقامات ایران اعتماد کرد و تهران باید به پرسش‌های بی‌پاسخ آژانس جواب دهد. رئیس کمیته روابط خارجی سنا گفت: صرف گفت‌وگو حتی گفت‌وگوی مستقیم بین تهران و واشنگتن مشکل را حل نمی‌کند بلکه برای پیشرفت قابل دوام باید یک جدول زمانی تعیین کرد و به رهبران ایران تفهیم کرد اگر مسئله حل نشود در شرایط سقوط بهای نفت و اقتصاد آسیب دیده ایران فشار همه‌جانبه بین‌المللی بر سر آنها فرود خواهد آمد.

مارک فیتزپتریک، کارشناس ارشد منع گسترش جنگ‌افزار هسته‌ای در انستیتو مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل، ایران را به تلاش برای فریب آژانس و اعلام اورانیوم غنی شده کمتر از موجودی متهم کرد و گفت اگر ایران تصمیم به پنهان‌کاری بگیرد کشف این مسئله ساده نخواهد بود. فیتزپتریک در عین حال گفت تلاش دوباره ایران برای غنی کردن بالای نود درصد بدون جلب توجه بازرسان آژانس نمی‌تواند صورت گیرد. او تصریح کرد این مهم از چند هفته تا شش ماه می‌تواند به درازا کشد.

فیتزپتریک ابراز امیدواری کرد الگوی امارات متحده عربی که به دنبال برنامه هسته‌ای بدون نیاز به غنی‌سازی اورانیوم است بتواند مردم ایران را به این فکر وادارد که چرا چنین بهای سنگینی را می‌پردازند در صورتی که کشورهای همسایه بدون چنین انزوایی از مزایای انرژی هسته‌ای بهره‌مند هستند. در کانون سخنان کریم سجادی‌پور، کارشناس بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل، مشکل عدم اعتماد بین ایران و آمریکا قرار داشت. سجادی‌پور تأکید کرد نیروهای افراطی در ایران برای نابود کردن امکان تفاهم با



آمریکا به هر کار ممکن دست می‌زنند. او به‌عنوان نمونه گفت کشتی حامل تسلیحات برای حماس در غزه با علم به کشف آن فرستاده شد و دستگیری رکسانا صابری، خبرنگار ایرانی آمریکایی و حبس او در زندان اوین، از جمله اقدامات تخریبی است که اگر آمریکا در دام آنها بیافتد درواقع به خواست تندروها عمل کرده است. سجادپور پیشنهاد کرد دو کشور پیش از منافع مشترک بر سر افغانستان و عراق را زمینه آغاز مذاکرات و دستمایه‌ای برای مذاکرات هسته‌ای قرار دهند.



**عنوان:** جلوگیری از بی‌ثباتی مداوم، تلاش آمریکا برای کنترل پیشرفت اتمی ایران<sup>۱</sup>  
**منبع:** مؤسسه مطالعاتی واشنگتن در امور خاور نزدیک<sup>۲</sup>

انتشار سند تازه‌ای که دنیس راس از تهیه‌کنندگان آن است حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات اتمی ایران را در حال کاهش می‌داند. این سند پیشنهاد مذاکره محدود و هم‌زمان ایجاد اجماع بین‌المللی برای فشار بر ایران را توصیه می‌کند. به عقیده نویسنده اسرائیل اگر اقدامات جامعه جهانی برای مهار برنامه اتمی ایران را کافی تشخیص ندهد، احتمالاً عزم خود را برای یک اقدام نظامی یک‌جانبه علیه ایران جزم خواهد کرد. چنین تصمیمی می‌تواند در آینده‌ای نزدیک اتخاذ شود، زیرا تل‌آویو شانس موفقیت اقدام نظامی علیه ایران را در یکی، دو سال آینده رو به کاهش می‌بیند. نگرانی از کاهش امکان موفقیت حمله نظامی ایران تنها به پیشرفت احتمالی این کشور در توسعه برنامه هسته‌ای‌اش مربوط نیست، بلکه تلاش جمهوری اسلامی برای تقویت دفاع هوایی خود نیز فاکتور مهمی در این رابطه است. این نظر وجود دارد که سند یاد شده در خدمت تشویق و متقاعد کردن دولت اوباما به ادامه سیاست سخت‌گیرانه دولت بوش در قبال ایران است و درصورت شروع مذاکرات با جمهوری اسلامی، منافع اسرائیل را مد نظر داشته باشد. به عقیده نویسندگان، ایالات متحده آمریکا نیز درصورت اقدام نظامی اسرائیل هزینه گزافی پرداخت خواهد کرد، زیرا بسیاری این ارزیابی را دارند که واشنگتن برای انجام چنین اقدامی چراغ سبز داده است.

نویسندگان سند به دولت آمریکا این ضرورت را یادآور شده‌اند که پیشنهاد

1.Preventing a Cascade of Instability: U.S. Engagement to Check Iranian Nuclear Progress, the Washington Institute for Near East Policy, march 2009

۲. از مراکز پژوهشی معروف مسائل بین‌المللی در آمریکاست.



گفت‌وگو به ایران باید با گام‌های بلاواسطه‌ای در جهت افزایش فشار بر این کشور همراه شود. پیشنهاد یاد شده نیز به عقیده سند، نباید تنها از سوی آمریکا باشد، بلکه باید با اجماع بین‌المللی و به ویژه همراهی و همگامی چین و روسیه ارائه شود. همچنین ارائه پیشنهاد باید با یک راهبرد از قبل توافق شده در زمینه تشدید تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی علیه ایران همراه شود تا در صورتی که مذاکرات به‌لحاظ زمانی محدود با ایران به شکست انجامید این راهبرد به اجرا درآید. ممانعت از دسترسی ایران به بنزین و سایر فراورده‌های پالایشگاهی از جمله پیشنهادهای سند برای تشدید فشارها بر ایران است.

در این گزارش سپس بر این نکته تأکید می‌شود که در زمینه غنی‌سازی اورانیوم نباید کوچک‌ترین امتیازی به ایران داده شود و هیچ‌گونه توافقی در مورد غنی‌سازی در مقیاس کوچک یا برای امور تحقیقاتی نیز با این کشور صورت نگیرد. در مجموع نویسندگان خواهان آن هستند که ایران از هرگونه امکان و ظرفیتی که بتواند به کمک آن سریعاً به سلاح هسته‌ای دست یابد، محروم شود. به عقیده نویسندگان، اقدامات بی‌اهمیتی که بتواند مقام‌های جمهوری اسلامی را در حفظ وجهه خود یاری کند، می‌تواند موضوع بحث باشد، ولی تنها پس از آنکه این کشور به‌طور اساسی موافقت خود را با انصراف کامل از غنی‌سازی اورانیوم اعلام کند.

نویسندگان در انتها به دولت آمریکا توصیه می‌کنند که برای تدارک اقدامات شدیدتر علیه ایران در تلاش برای اجماعی جهانی باشد. آنها نقش روسیه و چین را در این زمینه کلیدی می‌دانند و معتقدند که مهارت دیپلماتیک و انصراف از تقابل و چالش با این دو کشور در ماه‌های آتی، می‌تواند به حصول چنین اجماعی کمک کند. علاوه بر



دنيس راس، سناتور ايوان باير از اعضای کمیته اطلاعات سنا و گری‌آکرمن از اعضای کنگره و عضو کمیسیون روابط خارجه در امور خاورمیانه نیز از دیگر امضاکنندگان سند هستند. در مجموع به نظر می‌رسد که شروع، جریان و به نتیجه رسیدن مذاکرات احتمالی میان تهران و واشنگتن با دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی روبه‌رو باشد.



عنوان: آیا ایران یک متحد است؟<sup>۱</sup>

نویسنده: مایکل وراسه

منبع: Campaign Against Sanctions and Military Intervention in Iran<sup>۲</sup>

نویسنده نخست به سخنان ریچارد هالبروک به هنگام بازدید از افغانستان اشاره می‌کند و سپس اظهارنظر جدید یان دو هوپ شفر، دبیرکل ناتو را یادآور می‌شود که چندی پیش اعلام کرده بود برای مبارزه با طالبان می‌بایست با تمام دولت‌های ذی‌نفع همکاری داشت. نویسنده نیز اضافه می‌کند که بدیهی است ایران یکی از همین دولت‌ها به‌شمار می‌آید. نویسنده سپس به پیشینه همکاری ایران و آمریکا بر سر مسائل افغانستان می‌پردازد، یعنی هنگامی که ایران در سال ۲۰۰۱ و بعد از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر به آمریکا پیشنهاد حمایت‌های لجستیکی در افغانستان را داد. او می‌نویسد: در آن زمان دولت آمریکا به طالبان اعلان جنگ داده بود و ایران سلاح‌های مورد نیاز نیروهای ائتلاف شمال به رهبری برهان‌الدین ربانی را تأمین می‌کرد. افزون بر آن تهران به مقام‌های آمریکایی اطمینان خاطر داده بود چنانچه جنگنده‌های آمریکایی در مرزهای نزدیک به ایران، مورد اصابت موشک قرار گیرند، در نجات خلبان‌ها به آمریکا کمک خواهد کرد. با این همه چند ماه بعد، جورج بوش ایران را جزو کشورهای محور شرارت معرفی کرد.

اکنون رئیس‌جمهور جدید آمریکا، باراک اوباما سیاست متفاوتی در برابر ایران در



پیش گرفته است. اوباما چندی پیش اعلام کرد، برخورد آمریکا با ایران «براساس احترامی متقابل» خواهد بود. نویسنده می‌افزاید: اینک همکاری با آمریکا امکان‌پذیر است و به‌نظر می‌رسد که گام نخست آن در افغانستان باشد، کشوری که در آن افراط‌گرایان سنی طالبان یک دشمن مشترک به‌شمار می‌آیند. نویسنده سپس نقل قولی از روزنامه واشنگتن‌پست می‌آورد که براساس آن، آمریکا تنها در صورتی پیروز میدان مبارزه در افغانستان خواهد بود که از پایه و اساس در روابطش با ایران تجدید نظر کند. نویسنده در بخش پایانی نوشته خود همچنین به انتظاراتی اشاره می‌کند که دولت تهران از آمریکا توقع دارد. تهران نه تنها خواهان تضمین‌های امنیتی از جمله تضمین عدم حمله به ایران از سوی آمریکا و اسرائیل است، بلکه پایان دادن به تحریم‌ها نیز جزو درخواست‌های مقامات سیاسی تهران است. نویسنده از زبان تریتا پارسی یکی از اعضای شورای ملی ایرانی آمریکایی‌ها می‌نویسد: این امر قابل تصور است که کشورهای همچون فرانسه، آلمان و ایتالیا به زودی تدارکات مورد نیاز نیروهای نظامی‌شان را که در غرب افغانستان مستقر شده‌اند از طریق راه‌های ارتباطی امن ایران تأمین کنند. وراسه این موضوع را در بخش‌های پایانی گزارش خود این چنین برجسته می‌کند: در گستره دید برنامه‌ریزان ناتو پیش از همه اتوبان مشهد - هرات قرار دارد که ساخت آن تماماً به عهده شرکت‌های ایرانی است. حامد کرزای نیز از کمک‌های استراتژیک ایران استقبال خواهد کرد.

1. Michael Wrase, Campaign Against Sanctions and Military Intervention in Iran, 25 february 2009.

۲. از پایگاه‌های بین‌المللی که علیه مداخله و تحریم نسبت به ایران فعالیت گسترده دارد.



عنوان: یافتن زبان مشترک با تهران برای واشنگتن دشوار است<sup>۱</sup>

نویسنده: آلکسی فننکو

منبع: RIA Novosti<sup>۲</sup>

روز ۲۴ فوریه دنیس راس به عنوان مشاور معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاست در منطقه خلیج فارس انتخاب شد که گفته می شود طرفدار انجام مذاکره با ایران است. روز ۲۷ فوریه باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا خاطرنشان ساخت که واشنگتن برای ایجاد ارتباط با کلیه کشورهای منطقه خاور نزدیک از جمله سوریه و ایران آمادگی دارد. به نظر می رسد که احتمالاً آمریکا در آینده به تهران بسته جدید مشوق های اقتصادی در عوض توقف روند غنی سازی اورانیوم را پیشنهاد خواهد داد. علامت های کاخ سفید باعث به صدا درآمدن زنگ خطر در روسیه شد که هفته گذشته کار احداث نیروگاه اتمی بوشهر را به پایان رساند. چراکه واشنگتن بارها تلاش داشته تا روس اتم را از بازارهای خوش آتیه دور کند.

آیا ایالات متحده آمریکا تلاش می کند با فشار بر جایگاه روسیه در مورد بوشهر بازار ایران را نیز به دست آورد؟ در حقیقت نزدیکی به ایران برای آمریکا منافع زیادی دربر خواهد داشت. ذخایر نفت و گاز ایران می تواند جایگزینی برای کشورهای بی ثبات منطقه خلیج فارس شود. ایران می تواند دسترسی مستقیم به منابع فسیلی دریای خزر را به آمریکا اجازه دهد. دیالوگ با تهران به آرام شدن شیعه های افراطی عراق که خواستار ایجاد دولتی به شکل ایران هستند، کمک می کند. در سال های سلطنت محمدرضا شاه

1. Alexey Fenenko, U.S. 'reset' for the Middle East, RIA Novosti, march 3 2009.

۲. از خبرگزاری های معروف روسیه.



پهلوی (۱۹۵۳-۱۹۷۹) ایران نقش شریک عمده آمریکا در خاور نزدیک را ایفا می کرد. احیای روابط با تهران می تواند سیاستی مساعد و دوراندیشانه برای دولت باراک اوباما باشد.

اما امروز برای آمریکا توافق با ایران دشوارتر از موافقت با کشور دیگر جهان است. بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میان تهران و واشنگتن یک سری اختلاف نظرات شدید پیش آمده که حل آنها به این سادگی نیست. به همین خاطر به رغم همه جذابیت های این گفت و گو، رئیس جمهور جدید آمریکا احتمالاً به مقابله با ایران ادامه خواهد داد.

اولاً، انصراف از فشار بر ایران به منزله اعتراف واشنگتن به عدم موفقیت در تلاش هایی است که در زمینه پیمان NPT انجام می دهد. چراکه بحران پیرامون برنامه هسته ای ایران برای دولت بوش به حکم دستاویزی برای تحولات آتی در پیمان منع اشاعه سلاح هسته ای بود.

ثانیاً، در سال ۱۹۸۰ ایالات متحده به کلیه شیخ نشین های سنی خلیج فارس قول حراست از آنها را داده است. این کشورها نیز تنها تهدید امنیتی خود را از سوی ایرانی می بینند که به عنوان تنها کشور شیعی دنیا مطرح است.

ثالثاً، به خاطر وقایع گروگان گیری سفارت آمریکا در تهران یک نوع دافعه روانی شدید نسبت به ایران در آمریکا وجود دارد.

رابعاً، امتناع از اعمال فشار بر تهران موج جدیدی از گفت و گوها درباره بحران در رهبری آمریکا راه خواهد انداخت. رسانه های گروهی آمریکا بارها مسئله حملات پنتاگون به تأسیسات هسته ای ایران را مرور کرده اند. اما در حقیقت واشنگتن هر بار



فقط به اعلامیه‌های شدیدالحن بسنده کرد. تلاش دولت باراک اوباما برای به توافق رسیدن با تهران تأیید جدید گزینه‌ای است که آمریکا از ایران هراس دارد. به عبارت دیگر آمریکا تسلیم شده است؛ این همان بهانه‌ای است که جمهوریخواهان از آن علیه دمکرات‌ها استفاده خواهند کرد.

کمپانی‌های آمریکایی نیز نسبت به ورود به بازار هسته‌ای ایران بی‌میل نیستند. اما چنین سناریویی نیز به تغییرات اساسی در خاور نزدیک و از دست دادن متحدان کلیدی واشنگتن منجر خواهد شد. سناریویی که بیش از همه به واقعیت نزدیک است می‌تواند آن باشد که آمریکا به تلاش‌های خود برای توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران ادامه دهد. دمکرات‌های آمریکا همواره در توسل به زور محتاط‌تر از جمهوریخواهان عمل کرده‌اند. حال باید دید که دولت اوباما در صورتی که ایران پیشنهاداتش را نادیده بگیرد، چه کار خواهد کرد؟



عنوان: واشنگتن در ازای حذف سپر دفاع موشکی از مسکو چه می‌خواهد؟<sup>۱</sup>

نویسنده: مارچین بوساکی

منبع: Gazeta Wyborcza<sup>۲</sup>

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا به روسیه معامله‌ای را پیشنهاد داده است که در صورتی که دو کشور به همراه هم از ایجاد سلاح هسته‌ای در ایران جلوگیری کنند، آمریکا در لهستان و چک سپر ضد موشکی نخواهد ساخت. اگر چنین چیزی حقیقت داشته باشد، لهستان باید خوشحال شود. فرض می‌کنیم که نامه اوباما به مدودف حقیقت دارد و محتوای آن نیز حدوداً همین است. اکنون چندین هفته است که تیم اوباما سعی دارد روسیه را به بازی دیپلماتیکی جذب کند که علاوه بر افغانستان و خلع سلاح هسته‌ای، ایران و سپر ضد موشکی نیز مسائل اصلی آن هستند. تقریباً سه هفته قبل هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا اعلام کرد: اگر بتوان رویکرد ایرانیان را در رابطه با مسئله بلندپروازی‌های هسته‌ای آنها تغییر داد، ما می‌توانیم در برنامه سپر ضد موشکی بازنگری کنیم و محتاطانه افزود: اما تا تحقق این مسئله هنوز راه بسیاری باقی مانده است. به طور قطع تیم اوباما بدین شکل به روسیه علامت می‌دهد، اما می‌خواهد که در صورت انجام معامله، با شرایطی که واشنگتن می‌خواهد، انجام شود.

بدین ترتیب آمریکا به مسکو هویج و چماق را نشان می‌دهد. آن‌طور که دیده

1. Marcin Bosacki, What Washington Wants From Moscow in Exchange for Missile Defence, Gazeta Wyborcza, march 4 2009.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی اروپایی است.



می‌شود و آن‌طور که منابع آگاه می‌گویند، پیشنهاد آمریکا به مسکو بدین شکل است: «شما باید به‌طور کامل با ما در مسئله ایران همکاری کنید». نکته دیگر این است که کارشناسان دولتی در واشنگتن نمی‌توانند دقیقاً بگویند که روسیه واقعاً چه نفوذی می‌تواند بر ایران داشته باشد؟

واشنگتن به جدیت سه گزینه را بررسی می‌کند:

۱. به‌همراه مسکو بتواند ایران را متوقف کند، سپس آمریکا از سپر موشکی خود در اروپا امتناع کند،

۲. ایران را نمی‌توان متقاعد کرد، پس آمریکا و ناتو سپر ضد موشکی را به‌همراه روسیه می‌سازند که برای آن ایران تهدید قلمداد خواهد شد،

۳. ایران برنامه هسته‌ای و موشکی خود را توسعه می‌دهد، اما نمی‌توان مسکو را جذب به همکاری کرد، آمریکا نیز در لهستان و چک سیستم ضد موشکی خود را مستقر می‌کند.

اگر مسکو با چنین شرایطی وارد مذاکرات شود، بدین‌معناست که درواقع آنچه مدت بسیاری آمریکا آن را انکار می‌کرد را به رسمیت می‌شناسد: اینکه سپر ضد موشکی در لهستان و چک علیه روسیه نیست و برای دفاع از اروپا و آمریکا در برابر حملات احتمالی از سوی خاور نزدیک است.



عنوان: روسیه با کارت ایران بازی می‌کند<sup>۱</sup>

نویسنده: سرگی بلاگف

منبع: ISN Security Watch<sup>۲</sup>

نویسنده در این گزارش به ارزیابی تعاملات روسیه و ایران و نقش مهم آن در روابط روسیه و آمریکا پرداخته و تأکید کرده است که روسیه با بازی با کارت ایران عملاً در حال افزایش قدرت و نفوذ خود و ارتقای توانمندی‌های ایران به‌واسطه فروش تسلیحات نظامی به این کشور است. در این راستاست که روسیه با آغاز به‌کار دولت جدید آمریکا از تعلیق فروش موشک‌های ضد هوایی روسی به ایران به‌منظور جلوگیری از اقدامات دولت جدید آمریکا در پیگیری استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی خبر داد. با وجود این، هم‌زمان روسیه به ایران در پیش راه‌اندازی اولین راکتور هسته‌ای به این کشور کمک کرده است. این راکتور پس از بارها تأخیر در شرایط کنونی پیش راه‌اندازی شده و قرار است مراحل نهایی آن نیز با همکاری روسیه به اتمام برسد. در این زمینه روسیه تأکید می‌کند که ایران نمی‌تواند از باقیمانده سوخت ارسالی استفاده کند و کلیه فعالیت‌های آن تحت نظارت آژانس انرژی اتمی پیگیری خواهد شد. با وجود این، پیش راه‌اندازی سایت هسته‌ای ایران سبب تشدید نگرانی غرب شده و به افزایش تنش در منطقه خاورمیانه نیز منجر شده است. این در حالی است که روسیه همچنان بر تداوم همکاری با ایران تأکید کرده و مخالفت خود را با افزایش فشار علیه برنامه هسته‌ای این کشور اعلام کرده است. در

1. Sergei Blagov, "Russia Plays the Iran Card", ISN Security Watch, Feb 2009.

۲. یکی از مؤسسات مهم پژوهشی در حوزه مطالعات امنیتی.



این زمینه آنان امیدوارند که توسعه توانمندی‌های هسته‌ای ایران به توسعه مذاکرات روسیه و آمریکا بر سر سپر دفاع موشکی (که برای مقابله با تهدیدات احتمالی موشکی ایران مطرح شده است) منجر شود. از سوی دیگر سیاست‌های دوگانه روسیه در مورد تحویل سیستم موشکی اس ۳۰۰ به ایران نیز نشان‌دهنده سیاست‌های روسیه برای بازی با کارت ایران است. این سیاست‌های روسیه در حال پیگیری می‌شود، که آمریکا بارها خواستار توقف همکاری‌های نظامی روسیه با ایران شده اما روسیه در مقابل تأکید کرده است که به همکاری و فروش تسلیحات به هر کشوری ادامه می‌دهد زیرا که این مسئله نقض هیچ‌گونه مقررات بین‌المللی نیست. این‌گونه تعاملات ایران و روسیه که به افزایش توان مانور ایران در منطقه منجر می‌شود، در راستای منافع روسیه در سطح نظام بین‌الملل نیز می‌باشد. بنابراین روسیه در شرایط کنونی سیاست پیچیده‌ای را دنبال می‌کند. این کشور اگرچه به همکاری در پروژه هسته‌ای ایران ادامه می‌دهد و از فروش سلاح به ایران حمایت می‌کند اما عملاً به ایران سیگنال‌هایی در مورد نوع روابط آن با آمریکا نیز می‌دهد.



عنوان: این یک ماهواره عادی نیست<sup>۱</sup>

نویسنده: پیترو بروکس

منبع: The Heritage Foundation<sup>۲</sup>

اگرچه پرتاب یک ماهواره مسئله مهمی نبوده و به‌طور معمول اتفاق می‌افتد اما پرتاب اولین ماهواره بومی توسط ایران، موضوع مهمی برای امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که برنامه هسته‌ای ایران به مدت دو دهه مخفی مانده بود، ممکن است توسعه موشک‌های بالستیک توسط ایران نیز تحت پوشش برنامه‌های فضایی و پرتاب ماهواره‌ها صورت گیرد و ایران از این طریق به موشک‌های بالستیک دوربرد که قابلیت حمل سلاح‌های کشتار جمعی دارند دست یابد. بنابراین درواقع پرتاب ماهواره توسط ایران گام دیگری در توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای ایران بوده و احتمال پرتاب موشک‌های دیگر نیز وجود دارد. از سوی دیگر زمانی که کشوری به قابلیت موشکی در پرتاب یک ماهواره و قرار دادن آن در مدار فضایی دست یافت، این کشور از نظر علمی توانایی اقدام موشکی علیه هر منطقه‌ای در جهان را نیز دارد. این مسئله به‌ویژه در مورد ایران که نگرانی‌هایی نسبت به توسعه سلاح‌های هسته‌ای آن نیز وجود دارد مهم‌تر و پیچیده‌تر است. علاوه بر این با شبیه‌سازی این مسئله و مروری بر تاریخ معاصر و پرتاب اولین ماهواره روسی به فضا در ۱۹۵۷ و متعاقب آن دستیابی شوروی به موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای

1. Peter Brooks, "Iran's Situation explosive: It's not Just a Satellite", The Heritage Foundation, February 7, 2009.

۲. از مراکز پژوهشی وابسته به نئومحافظه‌کاران آمریکا.



پرتاب موشک ماهواره بر ایران از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. همچنین در دهه ۱۹۹۰ کره شمالی نیز برنامه فضایی صلح‌آمیزی را پیگیری می‌کرد و از این طریق توانست توانایی‌های موشکی خود را تقویت نماید. بر این اساس پرتاب موشک ماهواره‌بر توسط ایران و برنامه مدون فضایی آن و حمایت‌های برخی از کشورها در این برنامه‌ها، تقویت‌کننده احتمال توسعه موشک‌های بالستیک توسط ایران در پوشش فعالیت‌های فضایی آن است. در این شرایط، ایران تنها نیازمند نصب کلاهک‌های جنگی بر موشک‌های خود و در تیررس قرار دادن خاورمیانه، اروپا و سواحل شرقی آمریکاست. از سوی دیگر ایران هم‌اکنون می‌تواند ماهواره‌هایی را برای جمع‌آوری اطلاعات از موقعیت اهداف نظامی و سیستم هشدار سریع داشته باشد. این‌گونه قابلیت‌های ایران با لحاظ تداوم درازمدت دشمنی آن با آمریکا، حمایت آن از تروریسم، مداخلات آن در عراق و افغانستان و بلندپروازی‌های منطقه‌ای آن، مسلماً خبرهای خوبی محسوب نمی‌شوند.



عنوان: ایران مانع استراتژیک برنامه هسته‌ای خود را پشت سر گذاشت<sup>۱</sup>

نویسنده: مایکل آدلر

منبع: Wilsoncenter<sup>۲</sup>

براساس آخرین گزارش آژانس انرژی اتمی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، این کشور توانسته است اندکی بیش از یک تن (۱,۰۱۰ کیلوگرم) اورانیوم با درجه غنای پایین تولید کند. این مسئله به معنای عبور ایران از خط قرمز در برنامه هسته‌ای و توانایی ساخت یک بمب از طریق این مقدار از اورانیوم است. بر این اساس، ایران علی‌رغم قطعنامه‌های شورای امنیت، یکی از مهم‌ترین موانع موجود بر سر برنامه هسته‌ای خود را پشت سر گذاشته است. این در حالی است که به نظر می‌رسد که آمریکا به دنبال گسترش ابتکارات دیپلماتیک به‌جای رویارویی با بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران است. درواقع با تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران و افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های آن، غرب به پذیرش مصالحه با ایران روی آورده است. در این زمینه اوپاما در حال تجدیدنظر در تعامل با ایران است اگرچه مقامات آمریکایی همچنان بر ضرورت تعلیق غنی‌سازی اورانیوم نیز تأکید می‌کنند. آنان معتقدند که هرگز به ایران نباید اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای و ایجاد مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه داده شود؛ زیرا که هم‌زمان کشورهایی از الجزایر تا عربستان به توسعه تکنولوژی برنامه‌های هسته‌ای ایران چشم دوخته‌اند. بنابراین با توسعه توانایی‌های هسته‌ای ایران، اقدامات

1. Michael Adler, "Iran Passes Strategic Threshold in Nuclear Production", Wilson Center Public Policy Scholar, February 20, 2009.

۲. یکی از مراکز پژوهشی مرتبط با دمکرات‌های آمریکا.



دیپلماتیک با مشکلات بیشتری مواجه می‌شود. با وجود این، براساس گزارش آژانس انرژی اتمی، هیچ شاهدهی مبنی بر انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای ایران وجود ندارد. از سوی دیگر عدم افزایش میزان سانتریفیوژهای ایران نسبت به گذشته نیز می‌تواند نوعی اقدام سیاسی این کشور به منظور تمایل آن برای مذاکره باشد. اگرچه برخی نیز معتقدند که ایران ممکن است به دنبال افزایش بیشتر سانتریفیوژهای خود در آینده باشد. در هر حال براساس گزارش آژانس، ایران همچنان درصدد توسعه راکتورهای آب سنگین خود است که می‌تواند در ساخت پلوتونیوم و تولید بمب نیز مؤثر باشد.



عنوان: جایگاه اعراب و اهل سنت در ایران<sup>۱</sup>

منبع: Middle East Media Research Institute<sup>۲</sup>

این گزارش به بررسی انعکاس وسیع اظهارنظر یکی از مقامات ایرانی در مورد حاکمیت تاریخی این کشور بر بحرین در رسانه‌های عربی پرداخته و آن را در راستای اختلاف موجود میان محور عربستان و مصر از یکسو و محور ایرانی منطقه ارزیابی کرده است. نویسنده در این گزارش به یکی از مقالاتی که به شدت به این مسئله واکنش داده پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله تلاش شده است تا در مقابل واقعیات تاریخی طرح شده در مورد بحرین، با جعل اظهارات تاریخی، ایران را به عنوان کشوری با مذهب سنی در گذشته‌های تاریخی نشان داده که در دوره صفویه و به اجبار به پذیرش مذهب شیعه روی آورده است. نویسنده در این زمینه پا را فراتر گذاشته و با دروغ‌پردازی تأکید کرده است که در ایران، اهل سنت برخلاف پیروان ادیان مسیحیت و زرتشتی یا یهودی، آزادی عمل ندارند و حتی از داشتن مسجد برای عبادت نیز محرومند. علاوه بر این نویسنده مقاله، برای فرافکنی و تشدید فضا سازی علیه ایران در اختلاف پیش آمده تلاش کرده است تا به مسئله اعراب ساکن در ایران نیز اشاره کرده و سیاست‌های ایران در مناطق عرب‌نشین را به نوعی ایرانی‌سازی آنان تلقی نماید. در ادامه، نویسنده مقاله به وضعیت معیشتی اعراب ساکن ایران اشاره کرده و تلاش کرده است تا با سیاه‌نمایی و جعل واقعیات

1. "Leading Saudi daily: Iran was once a Sunni Country", Middle East Media Research Institute, February 23, 2009.

۲. از مراکز پژوهشی که به بررسی رسانه‌های منطقه خاورمیانه می‌پردازد.



موجود اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی، بر سیاست‌های تبعیض‌آمیز ایران در مقابل اعراب ساکن در این کشور تأکید کند. نویسنده این گزارش با توجه به این‌گونه تصورات در میان اعراب منطقه و واکنش‌هایی که نسبت به اختلاف اخیر میان ایران و برخی از کشورهای عربی به‌وجود آمده، به بررسی تعاملات ایرانی - عربی پرداخته و رفتار ایران را نوعی مداخله در امور داخلی همسایگان دانسته و سیاست‌های آن را در تقابل با موقعیت و جایگاه کنونی اعراب و به‌منظور بر هم زدن ثبات نظام اجتماعی و داخلی این کشورها قلمداد کرده است.



عنوان: گزینه‌های هسته‌ای

نویسنده: هانس بلیکس<sup>۱</sup>

منبع: گاردین<sup>۲</sup>

آیا ما باید نگران باشیم؟ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داده که برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران همچنان تداوم دارد ولی سرعت انجام آن کمتر شده است. ایران به سؤالاتی که سرویس‌های اطلاعاتی غرب مطرح کرده‌اند پاسخ نمی‌دهد. آژانس نمی‌تواند احتمال اینکه برنامه هسته‌ای ایران بعد نظامی ندارد را نفی کند. بنابراین باید نگرانی وجود داشته باشد. اما دغدغه مهم‌تر آن است که این برنامه برای سال‌ها در برابر چشم همگان جریان داشته است ولی هیچ دیپلماسی کارآمدی در برابر آن شکل نگرفته است. این تقاضا که ایران باید بازرسی‌های بیشتری را بپذیرد بی‌معناست. انجام بازرسی‌های بیشتر برای کمک به ایران جهت اثبات عدم وجود نیت نظامی در برنامه هسته‌ای‌اش نیست بلکه به این امید تأکید می‌شود که کم‌کم شواهد قانع‌کننده بیشتری برای متهم کردن ایران پیدا شود. با وجود این حتی اگر چنین شواهدی نیز پیدا نشود آنگاه گفته خواهد شد که اگرچه امروز ایران هیچ نیتی برای حرکت به سمت ساخت بمب ندارد اما می‌تواند نظرش را در سال آینده تغییر دهد. این حرف، حرف درستی است. بنابراین نکته کلیدی، نیت ایران نیست؛ بلکه دستیابی به توانمندی صنعتی غنی‌سازی اورانیوم است. زمانی که چنین توانمندی وجود داشته باشد، چه در ایران یا مصر، ترکیه یا اندونزی، آنگاه آن کشور اگر زمانی بخواهد بمب

1. Hans Blix, "Nuclear Options ", The Guardian, 26 February 2009.

۲. از نشریات پرتیراژ انگلستان است.



ببازد زمان کوتاه‌تری با آن فاصله خواهد داشت. هرچه کشورهای بیشتری در مناطق حساس از این توانمندی دورتر باشند، بهتر است.

چندین سال را با اتخاذ رویکردهای ناکارآمد از دست داده‌ایم. اروپاییان و آمریکایی‌ها درخواست کرده‌اند که ایران باید قبل از انجام مذاکره مستقیم، غنی‌سازی را معلق کند. در حالی‌که ایران به توسعه برنامه خود ادامه می‌دهد. درواقع این اروپاست که مشتاق مذاکره می‌باشد و نه ایران.

در دولت اوباما نیز اگرچه موضوع مذاکرات مستقیم مطرح است ولی ناتوانی در منصرف کردن ایران از توسعه غنی‌سازی صنعتی نیز پیامدهای خطرناکی را در پی دارد؛ با این حال سؤال اصلی این است که آیا اساساً منصرف کردن ایران امکان‌پذیر است؟ در دهه ۱۹۸۰ که صدام به سمت دستیابی به بمب اتم حرکت می‌کرد ایران می‌توانست توسعه برنامه هسته‌ای با بعد نظامی را برای خود توجیه کند. اما بعد از جنگ‌های سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ دیگر نمی‌تواند خود را مواجه با تهدید هسته‌ای از جانب عراق یا دیگر کشورهای منطقه از جمله اسرائیل معرفی کند. در چنین شرایطی تهدید نظامی ایران و اعزام ناو هواپیمابر به خلیج فارس اشتباه است و تیم اوباما بهتر است از الگوی رفتاری مذاکره آمریکا با کره شمالی استفاده کند: در موافقت‌نامه هسته‌ای خود ضمانت‌هایی مبنی بر عدم حمله از خارج و فعالیت‌های خرابکارانه در داخل ارائه دهد.

علاوه بر این به نظر می‌رسد که چشم‌انداز تجدید روابط دیپلماتیک آمریکا با ایران و قبول جایگاهی برای ایران در مباحثات منطقه‌ای انگیزه بیشتری به ایران برای رسیدن به توافق هسته‌ای می‌دهد. درواقع برقراری روابط باید به‌عنوان بخشی از



توافق‌نامه هسته‌ای تلقی شود.

مسئله دیگر حجم عظیم منابع و پرستیژی است که ایران در بحث هسته‌ای سرمایه‌گذاری کرده و بدان خاطر حاضر نیست از فعالیت‌های هسته‌ای خود دست بکشد. در ابتدا باید گفت که ایران اولین کشوری نیست که مجبور باشد دست از برنامه‌های هسته‌ای خود بکشد. براساس پیمان NPT هر کشوری حق غنی‌سازی صلح‌آمیز دارد؛ اما در عین حال هیچ کشوری مکلف و موظف به استفاده از حق خود نیست. درواقع خرید سوخت هسته‌ای ارزان‌تر از تولید آن است و درصورت تداوم این روند ایران باید ترتیبات سخت که برای گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای وجود دارد را بپذیرد.



می‌دهد. این بدان معناست که روسیه همچنان از اهرم جدی در قبال ایران برخوردار است و این خود به کارت بازی روسیه با غرب تبدیل می‌شود.



عنوان: چالش‌های استقلال در غنی‌سازی<sup>۱</sup>

منبع: Strategic Forecasting<sup>۲</sup>

در حالی که با انتشار آخرین گزارش آژانس انرژی اتمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران گفته می‌شود که ایران اورانیوم غنی شده کافی برای ساخت اولین بمب اتم را در اختیار دارد به نظر می‌رسد که بحث مهم‌تر برای ایران دستیابی به استقلال در غنی‌سازی اورانیوم و انجام آن در داخل بدون نیاز به بیگانگان باشد. این در حالی است که این خواسته بنیادین ایران با مشکلات جدی همراه است. مهم‌ترین چالش ایران نداشتن ذخایر کافی سنگ اورانیوم در داخل است که ماده اولیه مرحله اول روند غنی‌سازی تلقی می‌شود. ایران تا به حال از سنگ معدن خریداری شده از آفریقای جنوبی استفاده می‌کرده که ظاهراً اکنون تمام شده است. از طرف دیگر ذخایر معادن داخلی ایران نیز نه کافی و نه به لحاظ کیفیت به‌صرفه هستند. بر این اساس اخیراً شاهد کاهش سرعت غنی‌سازی در کارخانه اصفهان بودیم. مشکل دیگر عدم داشتن توانمندی‌های تکنولوژیک در سطح بالاست که در غنی‌سازی پیشرفته مورد نیاز است. همچنین ایران مجبور است که پلوتونیوم که محصول جانبی غنی‌سازی است را به روسیه برگرداند یا تحت نظارت‌های سنگین آژانس قرار گیرد. بر این اساس و با توجه به شواهد مربوط به کاهش سرعت غنی‌سازی در اصفهان، اتمام ذخایر سنگ اورانیوم در داخل و مشکلات تکنولوژیک، ایران نمی‌تواند در حال حاضر غنی‌سازی مستقل داشته باشد و لذا وابسته به میله‌های سوخت اورانیومی است که روسیه به ایران

1. ———, "The Challenge of Independent Enrichment", Stratfor, Feb 25, 2009.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل استراتژیک بین‌المللی است.



عنوان: رد چانه‌زنی بزرگ

نویسنده: دیوید کرامر<sup>۱</sup>

منبع: واشنگتن پست

یکی از مباحث اصلی در حوزه سیاست خارجی دولت اوباما همکاری با روسیه برای مهار هسته‌ای ایران است. در این خصوص مقامات مختلف دولت اوباما مواضع علنی داشته‌اند و حتی خود اوباما نیز نامه شخصی به رئیس‌جمهور روسیه نوشته است. درواقع به‌نظر می‌رسد که آمریکا آماده چانه‌زنی بزرگ با روسیه باشد. اما قبل از هر چیز دولت اوباما باید معنای چانه‌زنی با روسیه را بفهمد. این چانه‌زنی بدین معناست که درعوض همکاری روسیه با آمریکا جهت مهار تهدید هسته‌ای ایران و مسائل دیگر، آمریکا نیز سطح روابط خود را با همسایگان روسیه کاهش می‌دهد، برنامه سپر دفاع موشکی را متوقف می‌کند و در برابر وخامت فزاینده شرایط حقوق بشری روسیه سکوت اختیار می‌کند. همین سیاست را آمریکا در برابر چین اتخاذ و اعلام کرده که نمی‌گذارد مشکلات حقوق بشری چین اختلالی در مسائل مهم فی‌مابین ایجاد کند. روسیه نیز به دنبال همین دستور کار است.

اما مسئله مهم این است که مقامات دولت اوباما نسبت به ماهیت قدرت روسیه خوش‌بین هستند. نگاه مسکو به کشورهای اطراف خود مبتنی بر نگاه تجدیدنظرطلبانه و با حاصل جمع صفر است. مسکو به دنبال احیای حوزه نفوذ، تقویت بازیگران جدایی‌طلب و انحصار در خطوط لوله انرژی است. حال آیا پذیرش چنین نگاهی و

1. David Kramer, "No Grand Bargain", Washingtonpost, March 6, 2009.



پرداخت چنین هزینه‌ای صرفاً برای دریافت مساعدت روسیه در مهار ایران کفایت می‌کند. حتی همکاری نمادین روسیه در بحث افغانستان و بستن پایگاه مناس نشان‌دهنده فریب‌کاری مسکو در روابط خود با واشنگتن است. لذا روسیه در بحث مهار ایران نیز به دنبال بازی و فریب استراتژیک آمریکاست.



عنوان: الهه صبر در قبال ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: دیوید ایگناتوس

منبع: واشنگتن پست

اگر از مقامات کاخ سفید بپرسید که اوپاما در مسئله ایران باید به چه کسی رجوع کند همه می‌گویند «لی همیلتون». وی در گزارش معروف خود درباره عراق در سال ۲۰۰۶ توصیه کرد که آمریکا باید وارد تعامل با ایران شود. اگرچه وی ارتباط مستقیمی با دولت اوپاما ندارد اما نظرات وی درباره گفت‌وگوهای استراتژیک با ایران عملاً همان سیاستی است که دولت اوپاما در پیش گرفته است. وی نسبت به چشم‌انداز مذاکرات سریع و کارگشا مردد است و درواقع تأکید بر روند صبورانه تعامل دارد و در این رابطه به الگوی دیپلماسی بلندمدت آمریکا با شوروی اشاره می‌کند. لذا در وهله اول بر تعامل مستقیم و پایدار با ایران در بلندمدت تأکید می‌شود. در رابطه با محتوای مذاکرات نیز وی بر این باور است که آمریکا باید به مردم ایران احترام خود را ابراز کند، تغییر رژیم را به‌عنوان ابزار سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران مردود اعلام کند، طیفی از مسائل را به‌عنوان دستور کار گفت‌وگو با ایران اتخاذ کند، دغدغه‌های امنیتی ایران و حتی غنی‌سازی صلح‌آمیز را برای ایران به رسمیت بشناسد. وی قائل به مذاکرات مستقیم، سری و جامع است.

مذاکرات اولیه باید به دنبال تدوین یک دستور کار برای تعامل باشد و لذا باید در سطح پایین انجام گیرد. همیلتون تنها کسی است که سابقه وساطت موفقیت‌آمیز با



ایران داشته است. وی پس از دستگیری هاله اسفندیاری نامه‌ای احترام‌آمیز به رهبر ایران نوشت و موجبات آزادی وی را فراهم آورد. وی قائل است که در برخورد با ایران سه سیاست قبول وضعیت فعلی که در نهایت به بمب اتمی ایران می‌رسد، حمله نظامی و دیپلماسی وجود دارد که گزینه آخر بهترین است.

1. David Ignatius, "On Iran, an Apostle of Patience", Washingtonpost, February 26, 2009.



با صدور اجازه حمل کالا و سوخت مورد نیاز نیروهای ناتو از خاک روسیه به افغانستان، در آستانه تشکیل اجلاس ناتو در بروکسل، مسکو حرکت سیاسی تازه‌ای را آغاز کرد که یکی از هدف‌های عمده آن پیشگیری از گشودن «کریدور سوم» از مسیر شرقی ایران به افغانستان است. دولت اوپاما با نگرش تازه به امنیت منطقه، اولویت جنگ در عراق را کاهش داده و توجه بیشتر را به امنیت افغانستان معطوف کرده است. در این تغییر اولویت، آمریکا خواستار افزایش قدرت مقابله نظامی با طالبان و همچنین مشارکت بیشتر کشورهای عضو ناتو در جنگ است. طبیعتاً افزایش عملیات نظامی در افغانستان، افزایش تدارکات نظامی را نیز اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. حال آنکه محدودیت‌های تدارکاتی ناتو، به دلیل افزایش عملیات تروریستی در درون پاکستان، طی ماه‌های اخیر افزایش یافته است. مسیر اصلی تأمین کالاهای مورد نیاز ناتو راه خیبر است که بندر کراچی را به ایالت سرحد در جنوب شرقی پاکستان، و آنگاه با عبور از گذرگاه مرزی تورخم در جنوب افغانستان، به کابل وصل می‌کند. با تشدید حملات جوانان پاکستانی و گروه‌های طالبان به کاروان‌های حمل کالای ناتو به خصوص در اطراف پیشاور، این مسیر اینک از سوی پاکستان مسدود شده است. به دنبال تشدید ناآرامی در درون پاکستان و افزایش دشواری‌های مربوط به تأمین کالاهای تدارکاتی نیروهای ناتو در افغانستان، از جمله سوخت‌رسانی برای نیروهای رزمی اتحادیه آتلانتیک، استفاده از مسیرهای دیگر تأمین خدمات تدارکاتی ناتو مورد

1. \_\_\_\_\_, "Iran the Sacrificial Lamb", Strategic Forecasting, February 17, 2009



توجه قرار گرفت. کریدور دوم که در گذشته نیز مورد استفاده نیروهای آمریکایی قرار بوده، در شمال افغانستان و در مسیر کشورهای آسیای مرکزی قرار دارد. دولت آمریکا در گذشته موفق به در اختیار گرفتن دو پایگاه در ازبکستان و قرقیزستان شده بود. به تدریج با اعمال نفوذ روسیه استفاده از این دو پایگاه برای آمریکا دشوار شد. چند هفته قبل و پیش از اعلام توافق تازه برای حمل کالاهای مورد نیاز ناتو از راه روسیه، قرقیزستان اعلام کرده بود که پایگاه آمریکایی ماناس را تعطیل خواهد کرد. برای استفاده از کریدور شمالی، کشورهای اوکراین، روسیه، قزاقستان و ازبکستان در مسیر ترانزیت به افغانستان قرار می‌گیرند. با استفاده از منطقه‌ای از این کریدور، سوخت تولید شده در پالایشگاه‌های آذربایجان و ترکمنستان نیز به افغانستان حمل خواهد شد. مسیر سوم که می‌تواند تنوع مسیرهای موجود ترانزیت و در نتیجه امنیت حمل کالاهای مورد نیاز ناتو برای ادامه و توسعه جنگ در افغانستان را افزایش دهد، خاک ایران است. امتیاز دیگر این مسیر علاوه بر امنیت بیشتر، ظرفیت ایران برای تأمین سوخت مورد نیاز نیروهای ناتو است. ایران به جز در اختیار داشتن امکانات فراوان حمل انرژی در مسیر شرقی، تولیدکننده بزرگ نفت است و از طریق افزایش سریع ظرفیت پالایشگاه‌های خود می‌تواند به تأمین‌کننده مستقیم مواد سوختی نیروهای ناتو در افغانستان تبدیل شود. با توجه به ظرفیت‌های استثنایی ایران در این زمینه، فرمانده ارشد و همچنین دبیرکل ناتو طی هفته‌های اخیر مراتب علاقه‌مندی خود را برای بررسی امکانات همکاری با ایران در جنگ افغانستان آشکار ساختند. در صورت ادامه مسدود ماندن مسیر خیبر در پاکستان و هم‌زمان، ادامه دشواری‌هایی که روسیه در راه استفاده از مسیر آسیای مرکزی به افغانستان فراهم ساخته بود،



ایران می‌توانست به‌عنوان تنها مسیر موجود برای تأمین کالاهای تدارکاتی مورد نیاز ناتو، نقش عمده‌ای ایفا کند. در این صورت، شاید آمریکا نیز خود را ناگزیر از داخل شدن در توافق‌های عمده‌تری با تهران و در نتیجه اجبار پرداختن هزینه‌های آن می‌دید. حال آنکه اعلام توافق فوری روسیه برای همکاری با ناتو در جنگ افغانستان و صدور اجازه استفاده از راه‌آهن برای حمل کالا از خاک روسیه به آسیای مرکزی و سپس افغانستان، فوریت استفاده از مسیر ترانزیت ایران را تا حدود زیادی کاهش خواهد داد. امور افغانستان برای روسیه دارای اهمیت استراتژیکی عمده‌ای است. همین اهمیت در زمان استقرار اتحاد شوروی، موجب اشغال نظامی افغانستان از سوی ارتش سرخ شده بود. از نگاه روسیه، افغانستان و جنبش طالبان می‌توانند در ناامن ساختن جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی بسیار مؤثر واقع شوند. افغانستان همچنین می‌تواند به‌عنوان مسیر حمل مواد مخدر و کالاهای قاچاق به روسیه نیز مورد استفاده قرار گیرد. دست داشتن روسیه در کنترل امنیت افغانستان، کنترل منابع انرژی آسیای مرکزی، به‌خصوص گاز ازبکستان و ترکمنستان را نیز برای مسکو آسان‌تر می‌سازد. به‌منظور تحقق این هدف‌ها، طبیعتاً مسکو مایل به همکاری با ناتو و آمریکا در افغانستان است ولی گسترش نفوذ آمریکا را در منطقه نیز نمی‌پسندد. به این دلیل دست یافتن به یک ترکیب همکاری امنیتی خاص با ناتو و آمریکا که در آن منافع کامل روسیه و نفوذ منطقه‌ای آن کشور تأمین شود، هدف عمده آن کشور به‌شمار می‌رود. ایران در راه دست یافتن به این هدف یک رقیب محلی برای روسیه به‌شمار می‌رود که در نتیجه حضور خود می‌تواند بهای همکاری ناتو روسیه را کاهش دهد. اعلام آمادگی مسکو برای همکاری در حمل کالاهای مورد نیاز



ناتو قبل از جدی‌تر شدن امکان استفاده از راه ترانزیتی ایران، قدم اول در راهی است که می‌توانند ایران را از امکانات حضور فعال‌تر در مناطق شرقی خود و ایفای نقش عمده‌ای در امنیت منطقه محروم سازند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۵۹۸

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۵)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: رضا سلیمانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱/۱۷